

معصومه علی پورکارشناس معماری - HSE ؛

یادداشتی در خصوص تکدیگری، درد یا درمان؟

همه آنان که در آغازین ساعت صبح، قدم به اجتماع می گذارند با پدیده ای رو به رو هستند که کودکی با دراز کردن دست یا زنی با تقلای کمک، رشته افکارشان را بریده است و از آنان تقلای کمک کرده است، یا دلسوزانه در حد وسع و همت خود چیزی پرداخته اند و یا برای پس زدن دستشان بهانه ای فراهم کرده اند.

به گزارش خبرنگاران گروه فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، معصومه علی پورکارشناس معماری - HSE در یادداشتی با عنوان "تکدیگری، درد یا درمان؟" آورده است:

همه آنان که در آغازین ساعت صبح، قدم به اجتماع می گذارند با پدیده ای رو به رو هستند که کودکی با دراز کردن دست یا زنی با تقلای کمک، رشته افکارشان را بریده است و از آنان تقلای کمک کرده است، یا دلسوزانه در حد وسع و همت خود چیزی پرداخته اند و یا برای پس زدن دستشان بهانه ای فراهم کرده اند.

این کمک اگر از روی نوع دوستی است و یا وظیفه ی شرعی و یا انگیزه هایی دیگر اصطلاحاً (نه او را دارا می کند نه ما را فقیر)، اما حکایت این تقلا و تمنا همچنان در بستر جامعه جاری است. آنکه دردمند است و از این پدیده نا خوشایند ناراحت، شاید خود را و جامعه را در این امر مسول می داند که رفع فقر و نداری از وظایف حکومت هاست و شاید مردمان که گاهی بعضی شان فرصت حسابرسی اموالشان را ندارند ولی در آزمون داد و دهش دست پس می دارند.

این پدیده را در زبان فارسی گدایی می گوئیم. و در ادبیات ما و محاورات روزمره « سوال » و « سایل » گفته می شود کما اینکه شیخ اجل در حکایتی می فرماید «اگر شما را انصاف بودی و ما را قناعت، رسم سوال از جهان برخاستی» در زبان عربی تکدی گفته می شود که در این مقاله به آن پرداخته می شود.

تکدی را می توان تحت عنوان «دست درازی کردن» برای کسب درآمد، تعریف کرد. پدیده تکدی با دو عامل مهم؛ یعنی: «کمک دهنده» و «کمک گیرنده» رابطه دارد. «کمک دهنده ها» همان مردم هستند که آنها را می توان به دسته های زیر تقسیم بندی کرد:

۱) عده ای بر اساس وظیفه شرعی به فقرا و مستمندان کمک می کنند.

۲) گروهی دیگر آن را وظیفه انسانی و نوع دوستی می دانند.

۳) تعدادی به علت این که نیازمند بودن را یک نقص اجتماعی می دانند خود را در رفع این نقیصه مسؤول می شناسند.

بسیاری از انواع تکدی گری، بر اساس عوامل روانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به وجود می آید و محصول ساختار اجتماعی و نارسایی های ناشی از آن است.

با توجه به مطالعات انجام شده، به طور کلی عوامل مؤثر در ایجاد و گسترش پدیده تکدی را می توان درعوامل مهم اجتماعی - اقتصادی خلاصه کرد.

گدایی یک زایده اجتماعی است که در پیدایش آن چند عامل دخالت دارند: فقدان اشتغال و کار، فقر مادی، پیری و از کار افتادگی، رخوت و سستی، اعتیاد، معلولیت و بیماری، مسائل خانوادگی از قبیل پاشیده شدن خانواده، مهاجرت از روستا به شهر، نابسامانی های اقتصادی، کمی درآمد در بعضی از مشاغل، بالا بودن هزینه زندگی، ضعف فرهنگ حاکم بر خانواده های متکدیان، شکاف عمیق طبقاتی و ... از جمله این عوامل به شمار می روند. شیوه های گدایی گرچه متعددند اما همه از یک اصل تبعیت می کنند و آن تلاش برای کسب پول بیشتر است؛ «به هر طریق ممکن» گاه همراه گدایان کودکان خردسال و معصومی را مشاهده می کنیم که بر اثر قرص های خواب آور و انواع مخدر، معمولاً بی حال و خواب آلوده، با لباس های کتیف و پاره و کهنه، یا بر روی سنگ فرش های خیابان ها و پیاده روها دراز کشیده اند و یا بر پشت زنان و مردانی که برای گدایی در سر چهارراه ها و در بین اتومبیل ها پرسه می زنند، به خواب رفته اند.

کودکانی که در نخستین سالهای عمر به جای بازی های کودکانه، گدایی را تجربه می کنند و بعضاً از شیرخوارگاه ها به عاریت گرفته شده اند. این کودکان بعد از رسیدن به سن حدوداً ۷ سالگی که سن آغاز گدایی به شیوه حرفه ای می باشد، این شغل را مستقلاً ادامه داده، خود کفا می شوند. دیگر شیوه های تکدی عبارت است از: تظاهر به نقص عضو- سوء استفاده از مذهب به خاطر اعتقادات عمیق مردم به مسائل شرعی و مذهبی- پوشیدن لباسهای مندرس و تحریک احساسات مردم.

در واقع جای طرح یک سوال اساسی است که آیا گدایی امریست مذموم؟ آنچه که از سفارش حضرت رسول و سیره ی ایشان و اخبار وارده استنباط می گردد گدایی امر مذمومی است. پیامبر بزرگ اسلام می فرماید: «ای علی اگر من ناچار شوم که دست خود را تا آرنج در دهان اژدها فرو برم، این عمل را دوست تر دارم از این که از کسی که دارا نبوده و دارا شده چیزی را درخواست نمایم.» در جای دیگر می فرماید: «اگر مردم می دانستند در سؤال و تکدی چه بدی هایی وجود دارد هرگز کسی از کسی چیزی درخواست نمی کرد»؛ البته آنچه از کلام بزرگان عرفان و ادب بر می آید توصیه به قناعت و راضی بودن به داشته هاست « ای قناعت توانگرم گردان – که ورای تو هیچ نعمت نیست» یا به قول حافظ « گنج زر گر نبود کنج قناعت باقیست – آن که آن داد به شاهان به گدایان این داد»

نکته ی شایان توجه اما مغفول این داستان مشکلاتی است که ناشی از شیوع و گسترش بیماری هاست. اگر چه ترویج و گسترش پدیده ی تکدی گری عادت دادن افراد به بیکاری و کسب در آمد بدون سعی و تلاش و استفاده از دسترنج دیگران است. با ورود اتباع کشور های همسایه خصوصا پاکستان به کشور ما مشاهده می کنیم، علاوه بر مصایب فرهنگی نا متجانس و مشکلات زیستی و اقامتی ناقل بیماری هایی می باشند که با سرایت آن شاید در آینده مصرف میلیارد ها تومان جهت کنترل و درمان هموطنان ممکن نباشد. مخاطبین گرامی که سالیان گذشته شیوع بیماری های انواع آنفلوانزا و اخیرا ابولا و کرونا از خاطر نبرده اند بر این مهم واقف هستند. البته مشکلات حقوقی ورود و اقامت غیر مجاز و بعضا ازدواج اتباع خارجی مذکور را نیز به این معضلات باید افزود.

راههای رفع تکدی گری را می توان به سه گروه عمده تقسیم کرد:

(۱) ادغام و همکاری هماهنگ همه سازمان ها و خیریه ها در یک تشکیلات منسجم جهت جمع آوری امکانات برای مقابله با پدیده تکدی.

(۲) تشدید مقابله و مبارزه با تکدی گری از طریق مجلس شورای اسلامی و برخورد قاطع قضایی با متکدیان به عنوان ناقضین قانون.

(۳) برخورد قاطع مراجع انتظامی با متکدیان حرفه ای و شیادانی که به یک نوع زندگی انگلی خو گرفته اند.

از دیرباز قانون گذار ایرانی تکدی گری را هم ردیف کلاشی دانسته و جرم انگاری نموده است، که همینک ماده ی ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی بر جرم بودن آن صحه گذاشته است « هرکس تکدی یا کلاشی را پیشه خود قرار داده باشد و از این راه امرار معاش نماید و یا ولگردی نماید به حبس یک تا سه ماه محکوم خواهد شد، و چنانچه با وجود توان مالی مرتکب عمل فوق شود علاوه بر مجازات مذکور کلیه اموالی که از طریق کلاشی و تکدی بدست آورده است مصادره خواهد شد.»

با وجود جرم انگاری این پدیده نه تنها شاهد رخت برپستن آن از جامعه نیستیم بلکه با ورود نوع بیگانه ی آن نیز رو به روییم. البته کمک به متکدیان با هر انگیزه ای که باشد وقتی پدیده ای مجرمانه است امری غیر قانونی و ناپسند و بپذیریم که قانون میثاقی ملی است، لذا ضروری است که با قانون گذاری دقیق تر به مقابله با آن پرداخت.